

بررسی تأثیر کشاورزی بر توسعه یافتگی و امنیت ملی

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	چکیده
۱.....	مقدمه
۳.....	غفلت از توانمندی توسعه‌ای کشاورزی
۳.....	سیاست یک‌جانبه‌گرایانه جایگزینی واردات در کشورهای در حال توسعه
۵.....	راهبرد جایگزینی واردات در آسیای شرقی، متفاوت از آمریکای لاتین: هم‌افزایی‌های کشاورزی - صنعت
۶.....	افزایش حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه
۷.....	امتیازات و ویژگی‌های متمایز بخش کشاورزی و منابع طبیعی در ایران
۱۵.....	رویکرد موجود کشور نسبت به بخش کشاورزی و منابع طبیعی
۲۲.....	نتیجه‌گیری
۲۶.....	پیشنهادها
۲۷.....	منابع و مأخذ



بررسی تأثیر کشاورزی بر توسعه‌یافتگی و امنیت ملی

چکیده

بررسی‌ها حاکی از آن است که در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، تبعیض و فشار زیادی بر علیه بخش کشاورزی، به‌خصوص در سایه به‌کارگیری راهبرد صنعتی‌سازی از طریق جایگزینی واردات اعمال شده است؛ هرچند در سال‌های اخیر، بیشتر این کشورها، سیاست‌های اقتصادی کلان را به‌طور پایه‌ای بهبود بخشیده‌اند و سوگیری خود علیه کشاورزی را کاهش داده‌اند.

بخش کشاورزی و منابع طبیعی در ایران، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است. تأمل در این ویژگی‌ها، هر سیاستگذار منصفی را نسبت به توجه بیش از پیش به این بخش و اولویت بخشیدن به آن و انجام اصلاحات در رویکردهای اقتصاد کلان کشور به نفع بخش برمی‌انگیزاند. این خصیصه‌ها شامل «نقش کشاورزی در امنیت ملی»، «قابلیت ممتاز بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم»، «پتانسیل این بخش در تحقق توسعه فقرزدا و عدالت‌محور»، «زودبازده‌تر بودن سرمایه‌گذاری و بالاتر بودن بهره‌وری سرمایه در بخش»، «قابلیت پیوند بخش کشاورزی و منابع طبیعی با بخش خدمات و صنعت»، «ارائه کارکردهای چندگانه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی»، «کنترل مهاجرت»، «مزیت نسبی جهانی» و «اهمیت ایدئولوژیک کشاورزی» هستند. با وجود این، درحال حاضر، نقش واقعی بخش کشاورزی و منابع طبیعی در حساب‌های ملی محاسبه نشده و آمار و ارقام کنونی مربوط به نقش بخش در تولید ناخالص داخلی، کمتر از حد واقعی است. سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌ها به‌شدت پایین بوده و فضای مناسبی برای بهره‌برداری از توانمندی‌های بخش کشاورزی و منابع طبیعی وجود ندارد.

مقدمه

پس از انقلاب صنعتی در اروپا و رشد سریع کشورهای اروپایی، سایر کشورهای دنیا نیز به سمت صنعتی شدن گرایش پیدا کردند، ولی پس از گذشت زمان، محدودیت‌های ناشی از توجه بیش از حد به تولیدات صنعتی، یکی پس از دیگری آشکار شد. افزایش بیش از حد انواع آلودگی‌ها، برداشت

غیراصولی از منابع طبیعی و تخلیه و نابودی منابع طبیعی، ترویج مصرف‌گرایی در جهت تولید انبوه و سودجویی صنایع که مجموعاً آینده رشد اقتصادی و حتی زندگی بشر را با تهدید مواجه کرده است، از جمله این محدودیت‌ها به شمار می‌رود. از این رو مفهوم توسعه پایدار ارائه گردید که در آن کشاورزی و منابع طبیعی جایگاه بی‌بدیلی دارد. امروزه کشاورزی، طبیعت و محیط زیست و به ویژه محیط‌های روستایی و فرهنگ‌های بکر آنها، بیش از پیش مورد توجه جامعه بین‌الملل قرار گرفته است. استفاده از شعارهایی همچون «تنوع زیستی»، «جنگل‌ها»، «میراث‌های کشاورزی»، «میراث آب» و... از سوی نهادهای جهانی مانند یونسکو، سازمان ملل و... برای نامگذاری چندین سال اخیر، خود شاهدی بسیار معتبر، برای این سوگیری و تغییر جهت جهانی است. در حقیقت، بازگشت به اهمیت کشاورزی و منابع طبیعی، نتیجه افراط بشر در رشد صنعتی و پذیرش این اصل است که اقتصاد کشورها باید رشد متعادل و متناسب داشته باشند.

در بیشتر کشورهای در حال توسعه، کشاورزی هسته اصلی پایه اقتصاد روستایی را تشکیل می‌دهد، لذا پراکنش آب، خاک‌های حاصلخیز، اراضی مرتعی و زیرساخت‌ها، عمدتاً توزیع فضایی جمعیت در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه را تعیین می‌کند. کشاورزی به عنوان بزرگ‌ترین جذب‌کننده نیروی کار در نواحی روستایی بوده و بیشترین درآمد را ایجاد می‌کند. همچنین بخش مذکور بزرگ‌ترین تأمین‌کننده مواد خام بوده و کاملاً روشن است که نقش اولیه غالبی را در اثرگذاری بر اندازه و ساختار اقتصاد روستایی غیرکشاورزی ایفا می‌کند (حاجبلید و همکاران،^۱ ۲۰۱۰). رشد کشاورزی می‌تواند فرآیند توسعه را از طریق امکانپذیر ساختن انتقال پایدار منابع (از جمله سرمایه) از کشاورزی به سایر بخش‌های اقتصادی تسهیل کند (گریفین،^۲ ۱۹۷۹). جانستون و ملور^۳ (۱۹۶۱) اظهار داشتند که در مراحل ابتدایی توسعه در اقتصادهای کشاورزی محور، بخش کشاورزی، درآمدهای حاصل از صادرات، فرصت‌های شغلی، سرمایه و تقاضای داخلی را به منظور حمایت از رشد سایر بخش‌ها ایجاد کرده و تولیدات کشاورزی، تقاضای فزاینده ناشی از رشد جمعیت و نیز کاهش درآمدی تقاضای بالا برای غذا را برطرف می‌کنند. بخش کشاورزی می‌تواند اشتغال‌زایی کرده، اقتصاد روستایی را از طریق پیوندها تحریک نموده و هزینه واقعی محصولات غذایی را کاهش دهد (ایرز و همکاران،^۴ ۲۰۰۱). با وجود اهمیتی که کشاورزی برای اغلب کشورهای در حال توسعه دارد، ولی بررسی‌ها حاکی از آن است که در بسیاری از این کشورها، تبعیض‌هایی بر علیه آن اعمال شده که مانع از شکوفایی این بخش شده است.

1. Haggblade
2. Griffin
3. Johnston and Mellor
4. Irz



غفلت از توانمندی توسعه‌ای کشاورزی

بانک جهانی در گزارش توسعه جهانی ۲۰۰۸ خود با مطلبی تحت عنوان «توانمندی توسعه‌ای کشاورزی کمتر مورد توجه قرار گرفته است» تصریح نموده که رشد کندتر بخش کشاورزی، ناشی از جهت‌گیری سیاست‌های کلان و بخشی کشورها بر علیه کشاورزی است. تبعیض علیه کشاورزی به واسطه سیاست‌های اقتصادی کلان، قیمتی و تجاری و نیز جهت‌گیری شهری تخصیص سرمایه‌گذاری بخش عمومی و عدم سرمایه‌گذاری^۱ در بخش کشاورزی از جمله عوامل اختلال در کارکرد بخش کشاورزی ذکر شده‌اند (بانک جهانی، ۲۰۰۷). مطالعه کروگر، شیف و والدز^۲ (۱۹۹۱) چگونگی اعمال فشار ۱۸ کشور بر بخش کشاورزی نسبت به دیگر بخش‌ها را به روشنی مستند ساخت. دخالت‌ها منجر به کاهش ۳۰ درصدی در قیمت نسبی تولیدات کشاورزی نسبت به شاخص قیمتی تولیدات غیرکشاورزی شد. این سوگیری سیاستی بیشترین شدت را در کشورهای کشاورزی‌محور جنوب صحرای بزرگ آفریقا داشت. نرخ‌های ارز بیش ارزشگذاری شده، تعرفه‌های حمایتی بالا از صنعت و وضع مالیات بر صادرات کشاورزی همگی در این سوگیری سهیم بوده‌اند. یکی از سیاست‌هایی که منجر به تبعیض بر علیه بخش کشاورزی در کشورهای درحال توسعه، به‌ویژه ایران و کشورهای آمریکای لاتین شده است، تداوم توسعه صنعتی از طریق جایگزینی واردات و اتخاذ نامناسب این راهبرد بوده است.

سیاست یک‌جانبه‌گرایانه جایگزینی واردات در کشورهای درحال توسعه

سیاست جایگزینی واردات، پس از جنگ جهانی دوم و در اواسط قرن بیستم توسط کشورهای درحال توسعه، به‌شدت اجرا شد. در آن زمان، بسیاری از اقتصاددانان به این رهیافت به‌عنوان راه‌حلی برای توسعه صنعتی و درمان فقر انبوه می‌نگریستند. در فاز ابتدایی صنعتی‌سازی از طریق جایگزینی واردات^۳ (ISI) که فاز آسان نامیده می‌شد، صنعت به‌سرعت رشد پیدا کرد، زیرا صنایع به‌دلیل مجموعه‌ای از سیاست‌ها و اقدامات حمایتی دولت منتفع شده و سرمایه‌گذاری عمومی و اعتبارات به زیرساخت‌های ضروری اختصاص یافت. ولی پس از یک یا دو دهه صنعتی‌سازی سریع، مشکلات پدیدار شدند. در بین مشکلات می‌توان به اشباع بازار داخلی - که منجر به عدم استفاده بنگاه‌ها از تمام ظرفیت راه‌اندازی شده خود گردید - مشکلات ناشی از متنوع شدن سریع

1. Misinvestment

2. Krueger, Schiff and Valdes

3. Import Substitution Industrialization

صنعت، ناتوانی در استفاده از صرفه مقیاس - که به مفهوم عدم توانایی بنگاه‌ها در رقابت‌های جهانی بوده - و کمبودهای ارز خارجی که واردات مواد خام، قطعات یدکی و کالاهای سرمایه‌ای را محدود کرده و بنابراین توسعه صنعتی را دچار توقف نمود، اشاره کرد (لیتل و همکاران، ۱۹۷۰).

درواقع، یکی از آموزه‌های اصلی نظریه ساختارگرایی، اولویت دادن به صنعتی شدن از طریق اتخاذ سیاست جایگزینی واردات است. در سیاست جایگزینی واردات، معمولاً اولویت اول، بخش صنعت (آن هم صنایع عمده و شهری و نه صنایع روستایی و کشاورزی) بوده و بر علیه بخش کشاورزی تبعیض اعمال می‌شود. ساختارگرایان معتقدند برای جایگزینی واردات و انجام واردات سرمایه‌ای باید از ابزارهای سیاستی مانند معافیت مالیاتی سرمایه‌گذاری، اعتبارات ارزان، اعمال تعرفه‌های انتخابی و سهمیه‌بندی بر واردات استفاده کرد. این ابزارها به دو شکل، منجر به عدم کارایی و اختلال در تخصیص منابع بین بخش‌های مختلف می‌شود:

۱. از بین بردن انگیزه سرمایه‌گذاری در کشاورزی بر اثر افزایش مصنوعی میزان سود در صنعت و تغییر در رابطه مبادله به ضرر بخش کشاورزی،
۲. از بین بردن انگیزه لازم برای صادرات کالاهای اولیه و صنعتی در اثر تعیین نرخ ارز پایین‌تر از نرخ واقعی.

تجربه سیاست جایگزینی واردات در بسیاری از کشورها، حاکی از رشد ناموزون بخش‌های اقتصادی بوده و نشان می‌دهد که تأکید بیش از حد بر تولیدات صنعتی سبب عقب‌ماندگی کشاورزی و غفلت از صادرات شده است. مهمترین انتقادی که به راهبرد توسعه صنعتی از طریق جایگزینی واردات شده، این بود که رشد تولیدات صنایع جایگزین واردات، با افزایش سطح عمومی قیمت‌ها، به صادرات و بخش کشاورزی آسیب وارد می‌کند. از یکسو، بخش کشاورزی به‌عنوان مصرف‌کننده کالاهای صنعتی داخلی مجبور به پرداخت قیمت بالاست و ازسوی دیگر، صادرات آن کاهش می‌یابد، لذا این امر سبب انتقال منابع از بخش کشاورزی به بخش صنعت و عقب‌ماندگی آن می‌شود (یوسفی، ۱۳۸۸). به موازات روشن شدن نواقص سیاست توسعه صنعتی از طریق جایگزینی واردات در دهه ۱۹۶۰ و از آنجایی که تولید کشاورزی شروع به کاهش کرد، نظرات افرادی روشن‌تر گردید که بر خطرات بی‌اعتنایی به بخش کشاورزی در فرآیند توسعه تأکید داشتند. برای اغلب کشورها، سیاست صنعتی شدن از طریق جایگزینی واردات مناسب نبوده است. چنانچه صنعتی شدن واقعاً اتفاق افتاده بود، نباید اقدامات حمایتی تداوم می‌یافت، چرا که این اقدامات منجر به ناکارایی و رانت‌خواری می‌شود (کی، ۲۰۰۹). استمرار وضع تعرفه‌های سنگین بر خودروهای



وارداتی و حمایت از این نوزاد ۴۶ ساله در ایران نیز حاکی از عدم کاربست موفق راهبرد جایگزینی واردات است. البته شواهد حاکی از آن است که نحوه استفاده کشورهای آسیای شرقی از راهبرد جایگزینی واردات، متفاوت از عملکرد کشورهای آمریکای لاتین بوده و آنها موفقیت چشمگیری در توسعه همزمان بخش صنعت و کشاورزی داشته‌اند.

راهبرد جایگزینی واردات در آسیای شرقی، متفاوت از آمریکای لاتین: هم‌افزایی‌های کشاورزی - صنعت

سیاستگذاران کره جنوبی و تایوان از نگاه یک‌جانبه‌گرایانه به صنعت و کشاورزی اجتناب ورزیده و معتقد بودند که باید کارآیی کشاورزی و صنعت رشد پایداری داشته باشد. ایشان نگاه پویایی به تعامل بین بخش کشاورزی و صنعت داشتند. در این نگاه، چیدمان نهادی و نوآوری فناورانه از نقش مرکزی برخوردار بودند. بنابراین دولت‌های کره جنوبی و تایوان شرایطی را تضمین کردند که منجر به پذیرش فناوری‌های جدید شده و گذار از الگوهای تولید موجود به سمت محصولات کشاورزی با ارزش‌افزوده بالاتر را تحریک می‌کرد (اوشیما،^۱ ۱۹۸۷).

گذارها و تحولاتی که در بخش کشاورزی کره جنوبی و تایوان صورت گرفت، انتقال نیروی مازاد را از بخش کشاورزی به بخش صنعت امکان‌پذیر ساخت و بنابراین سطح دستمزدهای کارگران پایین باقی مانده و در عین حال همزمان، این موضوع تضمین شد که تولید کشاورزی رو به رشد بوده و ارائه غذای کافی برای کارگران صنعتی را تأمین خواهد کرد. آنها سعی کردند تضمین کنند، هرگونه منابعی که به بخش صنعت منتقل می‌شود، در صنایعی سرمایه‌گذاری می‌گردد که دارای بالاترین پتانسیل برای رشد و برای موفقیت در بازارهای صادراتی است. در مقابل کشورهای آمریکای لاتین، که در آنها سیاست‌های حمایتی به صورت گسترده اعمال شد، در کره جنوبی و تایوان به صورت انتخابی و هدفمند اقدام گردید. این دولت‌های آسیایی همچنین ایجاد صنایعی را تشویق کردند که منجر به بهبود و ارتقای بخش کشاورزی می‌شدند. از این صنایع می‌توان به صنایع کود شیمیایی و ماشین‌آلات و تجهیزات کشاورزی اشاره کرد. علاوه بر این، صنایع حمایت‌کننده از بخش کشاورزی، مقدار بالاتری از سرمایه‌های خارجی را نسبت به سایر انواع صنعت دریافت کردند (چنچ،^۲ ۱۹۹۰). همچنین غالب صنعتی شدن در تایوان روستامحور و بنابراین با نیازهای بخش کشاورزی هماهنگ‌تر بود (کی، ۲۰۰۸).

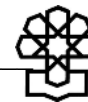
1. Oshima
2. Cheng

برخلاف کشورهای کره جنوبی و تایوان، سیاستگذاران کشورهای آمریکای لاتین معمولاً نتوان از ایجاد چنین هم‌افزایی‌هایی بودند. آنها ناتوان از انجام اصلاحات عمده در نظام بهره‌برداری زمین و مدرنیزه کردن کشاورزی بودند و یا اینکه تمایلی به این موضوع نداشتند. آنها همچنین نتوانستند در برابر فشار ناشی از حامیان صنایع، برای نرخ‌های بالاتر حمایتی ایستادگی کنند و فاقد راهبرد صنعتی شدن صادرات محوری بودند که به اندازه کافی از قدرت برخوردار باشد (رینز و اوروک،^۱ ۱۹۸۵). بی‌اعتنایی به صادرات کشاورزی در کنار عدم گذار به موقع به سمت راهبرد صنعتی شدن صادرات محور، از جمله دلایل کلیدی هستند که کشورهای آمریکای لاتین را نسبت به کشورهای تازه صنعتی شده آسیای شرقی در حالت عقب‌مانده‌تری نگه داشته‌اند.

افزایش حمایت از بخش کشاورزی در کشورهای در حال توسعه

در سال‌های اخیر، بیشتر کشورهای در حال توسعه، سیاست‌های اقتصادی کلان را به طور پایه‌ای بهبود بخشیده‌اند و سوگیری خود علیه کشاورزی را کاهش داده‌اند. بانک جهانی نیز در گزارش توسعه جهانی خود در سال ۲۰۰۷ تصریح کرده است به تدریج که کشورهای در حال توسعه ثروتمندتر می‌شوند، به طور کلی از کشاورزی حمایت بیشتری می‌کنند. چین و هندوستان سوگیری‌های ضدکشاورزی خود را به میزان قابل توجهی در سه دهه گذشته کاهش داده‌اند، این کاهش نه تنها به طور مستقیم، بلکه به طور غیرمستقیم از راه قطع حمایت از صنعت انجام شده است. چین سوگیری ضدکشاورزی خود را در مرحله‌ای دیرتر در توسعه اقتصادی خود، نسبت به هندوستان کاهش داده است، اما کمک به بخش کشاورزی نسبت به بخش غیرکشاورزی (اندازه‌گیری شده با شاخص نرخ نسبی کمک)، روندی صعودی در هر دو کشور داشته است.

بخش کشاورزی و منابع طبیعی در ایران، از ویژگی‌های منحصربه‌فردی برخوردار است. تأمل در این ویژگی‌ها، هر سیاستگذار منصفی را نسبت به توجه بیش از پیش به این بخش و اولویت بخشیدن به آن و انجام اصلاحات در رویکردهای اقتصاد کلان کشور به نفع بخش برمی‌انگیزاند.



امتیازات و ویژگی‌های متمایز بخش کشاورزی و منابع طبیعی در ایران

۱. کشاورزی و امنیت ملی

بخش کشاورزی کشور تأمین‌کننده شغل و درآمد برای حداقل ۲۳ درصد از جمعیت شاغل در کشور بوده و بیش از ۸۵ درصد از نیازهای غذایی کشور را تولید می‌کند (نعیمی و همکاران، ۱۳۸۸). کشاورزی نقش حیاتی در امنیت غذایی جامعه دارد و چنانچه کشور، در اثر تضعیف بخش، برای تأمین بخش زیادی از نیاز غذایی مردم وابسته به کشورهای خارجی باشد، استقلال سیاسی آن، به شدت تحت الشعاع قرار خواهد گرفت. این امر با توجه به تغییر کاربردی سالیانه ۲۰ هزار هکتاری اراضی کشاورزی، دور از ذهن نیست (زاهدی، ۱۳۸۸). کمترین نوسان قیمت محصولات یا کمبود تولید در بخش کشاورزی به سرعت مورد توجه عموم افراد جامعه واقع می‌شود. در واقع، افزایش قیمت مواد غذایی، معضلات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی ایجاد کرده و سطح رفاه عمومی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. چندین دهه است که گندم به عنوان یک سلاح راهبردی و استراتژیک مطرح شده است.

از سوی دیگر، در حال حاضر با توجه به تغییرات اقلیمی و خشکسالی و افزایش جهانی دمای زمین پیش‌بینی می‌شود، آب و دستیابی به آن در کشورها، به یک موضوع حساس امنیتی در جهان مبدل گردد. واشنگتن پست در مطلبی به تاریخ ۲۰۱۲/۳/۲۲، به نقل از ارزیابی منتشر شده توسط انجمن اطلاعات آمریکا^۱ می‌نویسد کمبودهای آب شیرین و خشکسالی‌ها و سیلاب‌های بیشتر، احتمال استفاده از آب به عنوان سلاح در ایالت‌های آمریکا و اهداف تروریستی در نواحی راهبردی مانند خاورمیانه، آسیای جنوبی و آفریقای شمالی را افزایش خواهد داد. این گزارش تصریح می‌کند هرچند تعارضات ایالتی مرتبط با آب بعید است که در ۱۰ سال آینده رخ دهد، ولی تداوم کمبود آب می‌تواند منافع امنیت ملی آمریکا را تحت تأثیر قرار دهد.^۲ ایران نیز با توجه به موقعیت جغرافیایی خود، با این مسئله درگیر بوده و احتمالاً در آینده برجسته نیز خواهد شد. از آنجایی که در کشور، بخش کشاورزی بالاترین میزان (۹۰-۹۲ درصد) آب شیرین را مصرف می‌کند و این سهم نسبت به خیلی از کشورهای دیگر بالاتر است، لذا در صورت تداوم عدم سرمایه‌گذاری کافی در پروژه‌های زیربنایی آب و خاک، کم‌آبی بحران اساسی را می‌تواند برای کشور ایجاد کند. بنابراین اهمیت راهبردی کشاورزی و منابع طبیعی برای ایران بیش از پیش روشن می‌شود.

1. U.S. intelligence

2. http://www.washingtonpost.com/world/national-security/report-water-shortages-increasingly-will-offer-new-weapons-for-states-terror-groups/2012/03/22/gIQA3qDdTS_story.html

۲. قابلیت بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی

یافته‌های مطالعه اسفندیاری و ترحمی (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که بخش کشاورزی از لحاظ توان بالقوه اشتغال‌زایی، رتبه نخست را به خود اختصاص داده است و با فاصله زیاد از دیگر بخش‌ها قرار دارد. این بخش به صورت بالقوه می‌تواند ۳۰ درصد کل شاغلان اقتصاد ایران را به خود اختصاص دهد و نزدیک به ۶۵۰ هزار نفر شکاف بین شاغلان بالفعل و بالقوه در این بخش وجود دارد. از لحاظ هزینه یک فرصت شغلی تمام‌وقت، بخش کشاورزی رتبه اول را دارد، یعنی به نسبت دیگر بخش‌های اقتصاد ایران با صرف کمترین هزینه می‌توان یک شغل تمام‌وقت در این بخش ایجاد کرد. دلیل کم بودن این هزینه به ضریب تکاثر بالای این بخش برمی‌گردد. از لحاظ توان تولید بالقوه، این بخش در رتبه دوم پس از بخش خدمات عمده و خرده‌فروشی و تعمیراتی قرار دارد، ولی از نظر درآمدزایی بالقوه بخش کشاورزی جایگاه مناسبی ندارد و در رتبه ۱۹ قرار گرفته است. طبق نتایج تنها ۱ درصد از کل درآمدزایی بالقوه بخش‌های اقتصاد ایران مربوط به بخش کشاورزی است. براساس رتبه‌بندی کشش تولید کل، بخش کشاورزی در رده هفتم قرار دارد.

با اینکه در رتبه‌بندی اشتغال کل، این بخش رتبه اول را دارد، در رتبه‌بندی کشش درآمد کل این بخش جایگاه مناسبی ندارد و رده ۱۳ را به خود اختصاص داده است. ناهمگونی بین رتبه‌بندی از لحاظ تولید و اشتغال و درآمد را می‌توان به این صورت تفسیر کرد که سیاست‌های اشتغال‌زایی الزاماً نمی‌توانند رشد محور و درآمدزا باشند. صاحب‌نظران معتقدند که این ضعف را می‌توان از طریق بهینه‌سازی الگوی زراعی و الگوی تجارت خارجی محصولات کشاورزی برطرف کرد. به بیان دیگر، از طریق رشد رشته فعالیت‌های کشاورزی با ارزش بالا و در عین حال کاربر و ایجاد زنجیره ارزش و صادرات آنها می‌توان درآمدزایی بالقوه بخش کشاورزی (رشد) را با اشتغال‌زایی این بخش (عدالت) توأم کرد و در این صورت است که فرصت‌های شغلی پردرآمد برای کشاورزان ایجاد شده و رشد و عدالت با یکدیگر توأم می‌شوند. مقایسه کشش داده‌های اشتغال کل و مستقیم در مورد بخش کشاورزی نشان می‌دهد که بخش کشاورزی بیشتر به صورت غیرمستقیم ایجاد شغل می‌نماید، زیرا این بخش که از لحاظ کشش اشتغال کل در رتبه اول قرار دارد، از لحاظ کشش اشتغال مستقیم رده ۲۶ را در بین ۳۵ بخش داراست. ایجاد شغل غیرمستقیم، اهمیت گسترش فعالیت‌های پیشین و پسین (صنایع و خدمات کشاورزی) را برجسته می‌سازد که تحرک زیادی در بین دیگر بخش‌ها، از لحاظ جذب نیروی کار ایجاد می‌کند.



۳. پتانسیل بخش کشاورزی و منابع طبیعی در تحقق توسعه فقرزدا و عدالت‌محور

به طور کلی رشد اقتصادی ناشی از بخش کشاورزی در کاهش فقر نقش مهمی دارد. اغلب فقیران جهان در نواحی روستایی زندگی کرده و اساساً برای تأمین معیشت خود به کشاورزی وابسته هستند. نقش رشد کشاورزی در فقرزدایی توجه زیادی را به خود جلب نموده است (فائو، ۲۰۰۳، ایرز و همکاران، ۲۰۰۱). تولیدات جنگلی نیز نقش مهمی را می‌توانند برای فقرای روستایی بازی کنند. معیشت ۱/۶ میلیارد نفر روستایی در جهان، تا حدودی وابسته به جنگل‌هاست. همچنین بخشی از معیشت ۱ میلیارد نفر از ۱/۲ میلیارد نفری که دچار فقر مفرط هستند، وابسته به منابع جنگلی است (آژانس توسعه جهانی آمریکا، ۲۰۰۶).

نتایج تحقیقات در ایران نشان می‌دهد رشد اقتصادی کشور در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۶ منجر به بهبود توزیع درآمد در نواحی روستایی نشده و حتی بر توزیع نابرابر دامن زده است، چرا که در دوره مذکور، رشد GDP سرانه کشور اثر مثبت و معنی‌داری بر ضریب جینی روستایی داشته است. یعنی افزایش GDP سرانه کشور، توزیع درآمد در نواحی روستایی را بدتر نموده است. می‌توان اظهار داشت این اثر مثبت بر ضریب جینی روستایی، بدان علت است که رشد اقتصادی کشور، بیشتر بر اساس رشد بخش‌های سرمایه‌بر و با سوگیری شهری اقتصاد مانند صنعت اتفاق افتاده است و لذا درآمدهای کلانی عاید صاحبان سرمایه شده است. برعکس، در جوامع روستایی که مبتنی بر بخش کشاورزی و بخش کاربر اقتصاد است، رشد کندتری به دلیل ساختارهای سنتی موجود در روستاها و سیاست‌های رشد محور غیرفقرگر اتفاق افتاده است. بنابراین می‌توان گفت که اهداف رشد و توسعه کشور تاکنون عدالت‌محور و رشد حامی فقرا نبوده و باید روند کنونی اصلاح شود (بنی اسدی و ورمزیاری، در دست انتشار).

ولی نتایج همان تحقیق نشان می‌دهد که برخلاف رشد اقتصادی کل، ارزش افزوده بخش کشاورزی که شاخص رشد بخش کشاورزی است، در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۶ اثر عکس و معنی‌داری بر ضریب جینی روستایی داشته است. به بیان دیگر، رشد بخش کشاورزی منجر به بهبود توزیع درآمد در نواحی روستایی شده است. با توجه به اینکه اغلب ساکنان روستاها به اشتغال کشاورزی مشغول هستند، این طبیعی است که رشد بخش کشاورزی، بتواند منجر به بهبود توزیع درآمد در نواحی روستایی شود. بنابراین برخلاف رشد اقتصادی کل کشور، رشد کشاورزی در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۶ همسو با بهبود توزیع درآمد در نواحی روستایی بوده است. همچنین بر اساس نتایج به دست آمده، متغیر بهره‌وری نیروی کار کشاورزی اثر منفی و معنی‌داری بر ضریب جینی در نواحی روستایی دارد. بنابراین رشد و بهبود بهره‌وری نیروی کار کشاورزی منجر به کاهش

ضریب جینی یعنی بهبود توزیع درآمد در نواحی روستایی خواهد شد. علاوه بر این، طبق نتایج تحقیق مذکور، متغیرهای سرمایه‌گذاری در صنایع روستایی، نسبت زمین به نیروی کار و بودجه‌های عمرانی دولت در روستاها، از جمله سایر متغیرهای مؤثر بر بهبود توزیع درآمد در روستاهای کشور در دوره زمانی ۱۳۵۰-۱۳۸۶ بوده‌اند.

۴. زودبازده‌تر بودن سرمایه‌گذاری در بخش

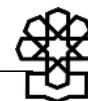
بسیاری از پروژه‌های کشاورزی و منابع طبیعی از قبیل آبخیزداری، بیابان‌زدایی و... نیاز سرمایه‌ای پایین‌تری نسبت به طرح‌های صنعتی داشته و منافع سریع‌تری را در ابعاد اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی برای جامعه ایجاد می‌کنند. میزان اشتغالی که بخش کشاورزی و منابع طبیعی به‌ازای هر واحد سرمایه ایجاد می‌کند، بیشتر از حجم اشتغالی که هر واحد سرمایه در صنعت و خدمات دربر دارد. ضمن اینکه همان‌طور که ذکر شد، مثلاً اجرای پروژه آبخیزداری یا جنگل‌زراعی، علاوه بر ایجاد شغل (منافع اجتماعی- اقتصادی) منجر به تغذیه بیشتر سفره‌های آب زیرزمینی و کاهش تبخیر آب و در نتیجه، تولید آب شیرین و نیز کاهش فرسایش خاک (کارکردهای محیط زیستی) هم خواهد شد.

۵. بالاتر بودن بهره‌وری سرمایه در بخش کشاورزی

نتایج مطالعه و رمزیاری و صالح (۱۳۸۶) نشان داد که ایجاد یک واحد ارزش‌افزوده در بخش کشاورزی ایران، به سرمایه کمتری نسبت به سایر بخش‌های اقتصاد نیاز داشته و بخش کشاورزی از ثبات بیشتری در مقابل شرایط جنگ برخوردار بوده و اثرپذیری آن از تحولات بیرونی کمتر بوده است. همچنین طبق یافته‌های مطالعه فوق، متوسط سالیانه بهره‌وری سرمایه بخش کشاورزی (به قیمت ثابت ۱۳۷۶) در دوره زمانی ۱۳۵۷-۱۳۸۳ بالاتر از سایر بخش‌های اقتصادی بوده است. این نتایج هم‌راستا با نتایج سلطانی (۱۳۸۳) و نیکوکار (۱۳۸۱) است.

۶. قابلیت پیوند بخش کشاورزی و منابع طبیعی با بخش خدمات و صنعت

نتایج مطالعه اسفندیاری و همکاران (۱۳۸۸) نشان می‌دهد که بخش کشاورزی به‌لحاظ پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم پسین، در رتبه اول و به لحاظ پیوندهای مستقیم و غیرمستقیم پیشین در رتبه دوم در میان بخش‌های اقتصادی کشور قرار دارد. پیوندهای قوی پسین و پیشین کشاورزی با سایر بخش‌ها حاکی از اثرگذاری این بخش در شکوفا شدن و ایجاد تحرک در کل اقتصاد است.



۶-۱. توان بالای بخش کشاورزی و منابع طبیعی برای توسعه طبیعت‌گردی و گردشگری کشاورزی کشاورزی به دلیل درهم‌تنیدگی خاص خود با نظام معیشتی و زندگی کشاورزان، بُعد فرهنگی خاصی داشته و ترکیبی از کشت (Agri) و فرهنگ (Culture) است. این امر، فرصت بی‌بدیلی را به بخش کشاورزی می‌دهد تا با یک سازماندهی مناسب، اقدام به جذب گردشگر نماید، به‌ویژه اینکه ایران یکی از باسابقه‌ترین تمدن‌های دنیا را داشته و بنا به اذعان گردشگران خارجی، اصالت‌هایی که در نظام‌های کشاورزی و کشاورزان آن دیده می‌شود، در کشورهای صنعتی و به اصطلاح جهان اول، وجود ندارد. از جمله مزیت‌های نسبی اساسی بخش کشاورزی ایران در این زمینه، دانش بومی غنی کشاورزان ایرانی است. هرچند نظام‌های کشاورزی ایران به لحاظ ارتقای سطح فناوری تولید در مقایسه با کشورهای صنعتی دچار محدودیت است، ولی این نظام‌ها از یک اصالت ویژه‌ای برخوردارند. همان‌طور که گفته شد، این اصالت تاریخی - فرهنگی مزیت رقابتی مهمی را به نظام‌های کشاورزی ایران در برابر نظام‌های مشابه کشورهایمانند آمریکا، استرالیا و... می‌دهد. تجربه خوبی نیز در روستای بزم شهرستان بوانات و برخی نقاط دیگر کشور وجود دارد که حاکی از وجود چنین پتانسیلی در ایران است. علاوه بر این، طبق برآوردها تا افق ۱۴۱۰ در حدود ۷۸ درصد جمعیت ایران، شهرنشین خواهد شد (کلانتری و همکاران، در دست انتشار) و در نتیجه نسلی پدیدار خواهد شد که با کشاورزی و روستایی غریبه بوده و آشنایی با آن، تجربه یک دنیای جدید به‌شمار خواهد رفت. لذا پیوند دو بخش کشاورزی و گردشگری - به‌عنوان بزرگ‌ترین صنعت دنیا که ۱۱/۷ درصد از تولید ناخالص داخلی جهان را ایجاد کرده و از هر ۲۰ شغل زمین، یک شغل متعلق به آن است (آلوارز، مارتین، کاسیلز، ۲۰۰۷^۱) - می‌تواند به ایجاد فرصت‌های شغلی مناسب به‌خصوص در نواحی روستایی کمک کرده و درآمدهای ارزی بالایی را نصیب کشور کند. چنین قابلیت‌هایی در صنعت دیده نمی‌شود.

۶-۲. توانمندی مناسب بخش کشاورزی و منابع طبیعی برای توسعه صنایع کاربر و دارای ارزش‌افزوده بالا

بسیاری از تولیدات این بخش، مانند انواع تولیدات باغی، شترمرغ، حیوانات زینتی، گیاهان دارویی و... ماده خام ارزشمندی برای صنایع تبدیلی و فرآوری درآمدها به‌شمار می‌روند، ولی با وجود این در کشور هنوز صنایع مذکور به صورت شایسته توسعه نیافته‌اند. در این بین، صنایع مبتنی بر منابع طبیعی نسبت به صنایع کشاورزی مورد غفلت بیشتری قرار گرفته‌اند. طبق شواهد، صنایع مبتنی بر جنگل در سطح جهان در حدود ۴۷ میلیون فرصت شغلی تمام‌وقت فراهم کرده است

1. Alvarez, Martin, Casielles, 2007.

(ناش، ۲۰۰۵). مطالعات کنونی پتانسیل درآمدی مهمی را برای بازارهای جاویزه در زمینه الوار با ارزش بالا، چوب گواهی شده، تولیدات فراوری شده چوب، خمیر چوب، تولیدات جنگلی غیرچوبی و پرداخت هزینه برای حفاظت از خدمات بوم‌شناختی ارزشمند نشان می‌دهند (آژانس توسعه جهانی آمریکا، ۲۰۰۶).

۷. ارائه کارکردهای چندگانه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی

از واحدهای صنعتی انتظار ارائه کالاهای عمومی به‌ویژه محیط زیستی (مانند تصفیه هوا و تولید اکسیژن، کاهش دمای شهرها و روستاها، تصفیه رایگان آب، حفظ تنوع زیستی و ...) نمی‌رود. حداکثر انتظار از آنها، عدم آسیب رساندن به اکوسیستم‌ها و عدم اختلال در فرآیند تولید خدمات مذکور است. ولی نظام‌های کشاورزی در صورت مدیریت صحیح، خدمات اکولوژیکی و محیط زیستی فراوان و بسیار ارزشمندی را برای جوامع تولید می‌کنند. کشاورزی تأمین‌کننده عمده‌ای برای خدمات محیط زیستی همچون تثبیت کربن، مدیریت آب‌خیزداری و حفاظت از تنوع زیستی است که اغلب شناسایی و ارزشگذاری نمی‌شوند. امروزه شماری از کشورهای دنیا، به اهمیت این خدمات در ایجاد و حفظ جوامع سالم و تندرست پی‌برده و برای تداوم آنها هزینه می‌پردازند. سازوکارهایی نیز به این منظور، تحت عنوان چیدمان‌های پرداخت هزینه برای خدمات محیط زیستی^۲ نظام‌های کشاورزی، توسعه‌یافته و نهادینه شده‌اند. آمار و ارقام هم نشان می‌دهد برای نمونه، تولید هر ۵ مول اکسیژن، یک دلار می‌ارزد.^۳ بر این اساس ارزش حیاتی درختان روشن می‌شود.

۸. کنترل مهاجرت

پایه اقتصاد روستایی در ایران، معمولاً بخش کشاورزی و منابع طبیعی است و اگر برنامه‌ای برای نقش‌آفرینی بهینه آن در اشتغال‌آفرینی روستایی تعریف نشود، روند مهاجرت روستا به شهر تشدید خواهد شد. در این صورت، دولت مجبور خواهد بود چندین برابر سرمایه مورد نیاز برای اشتغال‌زایی روستایی، بودجه عمومی برای مقابله با هزینه‌های اجتماعی ناشی از حاشیه‌نشینی و جرائم مربوطه در شهرها صرف کند. از سوی دیگر، تمرکز جمعیت در کانون‌های جمعیتی، بیش از حد افزایش یافته و توزیع فضایی جمعیت در پهنه سرزمین برهم خواهد خورد. آلودگی‌های محیط‌زیستی به‌ویژه آلودگی هوا در کانون‌های جمعیتی از پیامدهای اصلی چنین روندی است.

1. Nash

2. Payment For Oenvironmental Services (PES)

3. <http://www.magiran.com/npview.asp?ID=2192757>



۹. مزیت نسبی جهانی

یکی از مهمترین ویژگی‌های بخش کشاورزی در مقایسه با سایر بخش‌های اقتصادی کشور، فاصله نسبی کمتر آن، با کشاورزی کشورهای توسعه‌یافته، در مقایسه با فاصله بخش صنعت و خدمات کشور با کشورهای صنعتی است. به‌ویژه اینکه تفاوت زیاد بین عملکرد کشاورزان نمونه و معمولی کشور که گاهاً ۱۰ برابر است، نوید حضور مؤثرتر ایران را در بازارهای جهانی غذا و رفع این شکاف را می‌دهد. با توجه به توان اکولوژیک، تنوع اقلیمی، تنوع ژنتیکی کم‌نظیر، کیفیت محصولات و دانش فنی موجود، امکان رفع این فاصله با برنامه‌ریزی و اقدامات اصولی خیلی قابل دستیابی‌تر و واقع‌بینانه‌تر از رفع شکاف مذکور در بخش صنعت و خدمات است. نواحی مرطوب و پر باران شمال، نواحی سرد و کوهستانی شمال غرب، اقلیم مدیترانه‌ای در غرب و اقلیم گرم و خشک و کویری در نواحی مرکز و جنوب شرقی، ایران را در تنوع آب و هوایی در دنیا کم‌نظیر کرده است، به‌طوری که چهار فصل سال را در یک زمان دارد. این تنوع منجر به تولید انواع محصولات زراعی و باغی و تأمین بخش مهمی از نیازهای غذایی کشور در فصول مختلف سال شده است. همچنین ۵ ناحیه رویشی دنیا در ایران موجود است که واقعاً کشورهای بسیار نادر از این موقعیت برخوردارند.

ایران با این موقعیت خاص آب و هوایی، بیش از ۷۵۰۰ گونه گیاهی را در خود جای داده است که دو الی سه برابر پوشش گیاهی تمامی قاره اروپاست و پیش‌بینی می‌شود که بیش از ۷۵۰ گونه دارویی در پوشش گیاهی ایران وجود داشته باشد. به‌رغم این توان بالقوه، سطح زیر کشت گیاهان دارویی مهم در ایران کمتر از ۱۰/۰۰۰ هکتار است و از حیث تنوع گونه‌های زیر کشت این رقم به حدود ۴۰ گونه محدود می‌شود، درحالی که این رقم در کشور چین به حدود ۲۰۰ گونه می‌رسد. از طرف دیگر تعداد کل داروهای گیاهی ثبت شده در کشور حدود ۱۰۰ نوع است که کمتر از ۴ درصد داروهای شیمیایی موجود در بازار را تشکیل می‌دهد، درحالی که این نسبت در کشورهای اروپایی به بیش از ۳۵ درصد می‌رسد.^۱

۱۰. اهمیت ایدئولوژیک کشاورزی

مضاف بر همه موارد فوق، بخش کشاورزی به‌لحاظ ایدئولوژیک نیز برای جمهوری اسلامی ایران اهمیت بالایی دارد. اولویت نخست اسلام در بین بخش‌های اقتصادی، کشاورزی است، چرا که هم نیازهای غذایی مردم را تأمین می‌کند، هم از طریق غذایی که تولید می‌کند، اهمیت اساسی در سلامت جامعه دارد، هم می‌تواند منجر به بهبود محیط زیست یا تخریب آن شود و نهایتاً اینکه مایه ادامه حیات بشر و حیوانات است. امام صادق (ع) فرموده است: «از پیامبر اکرم (ص) پرسیده شد: چه

1. <http://www.farsnews.com/newstext.php?nn=13910717000294>

مالی بهتر است؟ فرمود: زرعی که صاحبش آن را بکارد و روز جمع‌آوری و برداشت، حق و زکات آن را ادا کند. بار دیگر پرسیده شد: بعد از زراعت چه مالی بهتر است؟ فرمود: شبانی که به دنبال گوسفندان خود، برای تعلیف در جاهای مناسب حرکت و نماز را اقامه و زکات را ادا کند» (محمدبن یعقوب کلینی، فروع کافی، ج ۵، ص ۷۲ به نقل از خلیلیان، ۱۳۸۴).

مقام معظم رهبری معتقد است «برای ما مسئله محیط زیست یا حفظ منابع طبیعی، مسئله‌ای تجملاتی و درجه دو نیست، یک مسئله حیاتی است. در تلاش ما برای توسعه کشور، اولویت باید در این بخش باشد. تکیه هم باید روی این بخش باشد. حتی گرایش به صنعت باید با توجه به این بخش باشد تا کشور بتواند استفاده کند، تا ما که کشوری هستیم به طور طبیعی از طبیعت خوب و مناسب برخوردار - به‌رحال امکانات اقلیمی هست و آنچه تخریب شده است، به‌دست بشر تخریب شده است - بتوانیم از این امکانات استفاده کرده و آنها را زیاد کنیم و نگذاریم آن منابع از بین برود. مسئله کویرزدایی و بیابان‌زدایی باید جزء کارهای اساسی باشد و در برنامه جدی قرار گیرد. همین موردی که الان اشاره شد - کاری که گفتند انجام گرفته، آبخوان‌داری - خوب است. نام خوبی است، کار خوبی هم هست، استفاده از سیلاب‌ها به نحو صحیح و درست، با شکل‌های صحیح، باید این طرح‌ها و امثال این طرح‌ها انجام شود. طرح‌های متعددی از این قبیل را می‌شود پیش‌بینی کرد که به سرمایه‌گذاری‌های کلان هم نیازی ندارد و فقط با ابتکار، دنبال‌گیری، دلسوزی و هماهنگی بخش‌های مختلف با یکدیگر، تحقق پیدا می‌کند. امیدواریم که ان شاء... همه - هم دولت، هم آحاد ملت و هم مسئولان بخش‌های مختلف - به مسئله مهم حفظ منابع طبیعی، گیاه، درخت، کشاورزی، استفاده بهینه از آب، خاک و امکانات گوناگون دیگر، به‌طور جدی بپردازند و ما در برنامه آینده - برنامه سوم - مشاهده کنیم که اولویت با این کارهاست».

ایشان در دیدار جهادگران و کشاورزان،^۱ اهمیت بخش کشاورزی را نسبت به نفت و طلا، اینچنین تبیین فرموده‌اند: «دستگاه کشاورزی برای کشور ما بسیار مهم است، چون امنیت غذایی برای کشوری بزرگ، پرجمعیت و دارای هدف‌های بلند، بسیار مهم است، لذا بخش کشاورزی و دامداری ما یک بخش ویژه و استثنایی است و همه باید برای آن تلاش کنند. در اسلام هم آگاهانه و با توجه، نسبت به کشاورزی تأکید شده است. حدیث بسیار پُرمعنا و پُرضمنونی درباره کشاورزان نقل شده است: «الزَّارِعُونَ كُنُوزٌ... فِی اَرْضِهِ»، یعنی کشاورزان کسانی هستند که گنجینه‌های خدا در زیر زمین را می‌دروند و استخراج می‌کنند. مهمترین گنجینه خدا در زمین و خاک عبارت است از موادی که مایه ادامه حیات بشر و حیوانات است. این از طلا و نفت مهمتر است. طلا



و نفت وسیله به دست آوردن مایحتاج زندگی است، اما محصول غذایی، مهمترین مایحتاج زندگی است». ایشان در جای دیگری چنین فرموده‌اند: «این گیاهی که متأسفانه در لابه‌لای چرخ و پیر صنعت - به خصوص در کشورهایی که تازه با صنعت آشنا می‌شوند - چنین مورد تحقیر قرار می‌گیرد، مایه حقیقی وجود انسان است. یعنی منبع بی‌پایان مواد حیاتی و غذایی درون خاک، تبدیل به گیاه می‌شود و از گیاه به انسان تبدیل می‌گردد. حال یا به واسطه حیوان، یا بدون واسطه آن. این است که «وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ»، من و شما منتسب به نطفه‌ای هستیم که تولید شده از مواد گیاهی و حیوانی است که اینها فرآورده خاکند. پس با یک واسطه یا دو واسطه، همه آحاد بشر و همه آحاد حیوان، متولد از خاکند، «مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ» و واسطه هم گیاه است.^۱ ایشان همچنین ضمن اشاره به تاریخ عظیم ایران در زمینه کشاورزی، بر اهمیت تأمین امنیت غذایی تأکید کرده‌اند: «برای ما مایه شرمندگی است که با وجود این کشور غنی، محصولات گیاهی و حتی مواد غذایی لازم را از دیگران بگیریم. درست مثل کشوری که زمین و امکانات و این تاریخ عظیم کشاورزی را ندارد».^۲

شواهد حاکی از آن است که با وجود ویژگی‌های متمایز بخش کشاورزی و منابع طبیعی و برخلاف اهداف کلان نظام جمهوری اسلامی، عملاً سیاست‌های مناسبی برای شکوفایی این بخش اتخاذ نشده است.

رویکرد موجود کشور نسبت به بخش کشاورزی و منابع طبیعی

۱. برآورد کمتر از حد واقعی نقش بخش کشاورزی

بخش کشاورزی و منابع طبیعی تجدیدپذیر خدمات فراوانی به کشور ارائه می‌دهد. اقتصاددانان معتقدند ارقامی که هم‌اکنون در حساب‌های ملی برای بخش کشاورزی ذکر می‌شود، کمتر از اندازه واقعی است. برای نمونه، هیزمی که از جنگل به‌عنوان سوخت خانوار برداشت می‌شود و از آن انرژی تولید می‌شود، اصولاً در محاسبات حسابداری مورد توجه قرار نمی‌گیرد، این درحالی است که جزء تولید و ستانده جنگل محسوب می‌شود. همچنین تولید مرتع و تولید علوفه، در حسابداری اقتصادی مد نظر قرار نمی‌گیرد.

به‌طور کلی بررسی‌ها نشان می‌دهد ارزش خدمات بوم‌شناختی منابع طبیعی تجدیدشونده کشور مانند تنظیم و تأمین حفاظت آب و خاک، تلطیف هوا، تنظیمات اقلیمی، چرخه مواد غذایی، منابع ژنتیکی، چرخه آب، تجزیه پسماندها و... که ۷۵ درصد کل کارکردهای منابع طبیعی کشور است، در حساب‌های ملی کشور ارزشگذاری نشده و به رسمیت شناخته نمی‌شوند. نتایج مطالعه

۱. در دیدار با وزیر و مسئولان جهاد سازندگی در هفته منابع طبیعی، مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۴.

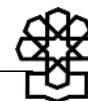
۲. بیانات رهبر معظم انقلاب اسلامی در دیدار با وزیر و مسئولان جهاد سازندگی در هفته منابع طبیعی، مورخ ۱۳۷۷/۱۲/۱۴.

مربوط به ارزش کارکردهای جنگل‌های شمال ایران در جدول ذیل قابل مشاهده است. براساس جدول مذکور، ارزش اقتصادی کل جنگل‌های شمال کشور در سال ۱۳۸۳ بالغ بر ۱۴۹۲۱/۵ میلیارد ریال بوده است که از این میان بیش از ۷۰ درصد از این ارزش اقتصادی (۱۰۴۴/۵ میلیارد تومان) مربوط به خدمات غیرمستقیم (زیست‌محیطی و اکولوژیکی) بوده که عموماً به دلیل عدم مبادله مستقیم در بازار، ارزش آنها مد نظر قرار نمی‌گیرد (جدول ۱). این تنها متعلق به جنگل‌های شمال کشور است و اگر جنگل‌های غرب و همچنین جنگل‌های پراکنده در سراسر کشور را مد نظر قرار دهیم، جایگاه و اهمیت جنگل و خدمات آن برای جامعه و اقتصاد کشور بیشتر مشخص می‌شود.

جدول ۱. ارزش سالیانه در هکتار به ریال و دلار آمریکا (سال ۱۳۸۳)، در جنگل‌های شمال کشور

نوع ارزش	ارزش سالیانه در هر هکتار (ریال)	ارزش اقتصادی کل (میلیارد ریال)	درصد	ارزش سالیانه در هکتار (دلار آمریکا، سال ۱۳۸۳)
ارزش‌های مستقیم	۶۱۱,۶۸۴	۸۸۸	۵/۹۵	۵۳
چوب و دیگر محصولات چوبی	۷۹۸,۵۵۰	۱,۵۳۵/۹	۱۰/۳	۹۱/۸
فرآورده‌های غیرچوبی	۲,۵۳۵,۸۳۵	۵۷/۵	۰/۳۸	۲۹۱/۵
تفریح و توریسم جنگلی	۳,۷۹۶,۰۶۹	۲,۴۸۱/۴	۱۶/۶۳	۴۳۶/۳
جمع ارزش‌های مستقیم				
ارزش‌های غیرمستقیم				
الف) حفاظت آب	۲۶۰,۸۱۸/۵	۵۰۱/۶۵	۳/۳۶	۳۰
- ذخیره آب باران	۲۰۳,۷۷۰	۳۹۱/۹۲	۲/۶۳	۲۳/۴
- تنظیم آب جاری	۲۲,۵۶۲/۵	۴۳/۴	۰/۲۹	۲/۶
- کنترل سیل	۳۴,۴۸۶	۶۶/۳۳	۰/۴۴	۴
ب) حفاظت خاک	۲۱۰,۵۳۸	۴۴/۹۵	۲/۷۱	۲۴/۲
- کاهش عدم استفاده از زمین	۱۲,۱۶۶	۲۳/۴	۰/۱۶	۱/۴
- جلوگیری از افزایش گل و لای	۲۲,۳۹۶	۴۳/۰۸	۰/۲۹	۲/۶
- کاهش رسوب‌گذاری	۱۵۹,۲۲۴	۳۰۶/۲۵	۲/۰۵	۱۸/۳
- حفظ حاصلخیزی خاک	۱۶,۷۵۲	۳۲/۲۲	۰/۲۱	۱/۹
ج) تنظیم گاز	۳,۵۱۵,۸۰۶	۶,۷۶۲/۲	۴۵/۳	۴۰۴/۱
- تثبیت کربن	۲,۱۴۳,۳۰۶	۴,۱۲۲/۴	۲۷/۶	۲۴۶/۳
- عرضه اکسیژن	۱,۳۷۲,۵۰۰	۲,۶۳۹/۸	۱۷/۷	۱۵۷/۸
د) گرده‌افشانی	۴۱۴,۶۵۲/۸	۷۹۷/۵۴	۵/۳۴	۴۷/۷
ه) ذخایر توارثی گیاهی	۸۸۲,۳۹۹	۱,۶۹۷/۲	۱۱/۳۷	۱۰۱/۴
و) خاک‌زایی	۱۸۷,۸۹۷	۳۶۱/۴	۲/۴۲	۲۱/۶
جمع ارزش‌های غیرمستقیم	۵,۴۷۲,۱۱۱/۳	۱۰,۵۲۴/۹	۷۰/۵۳	۶۲۹
ارزش‌های حفاظتی (وجودی، انتخاب و میراثی)	۹۹۵,۷۲۰	۱,۹۱۵/۲	۱۲/۸۳	۱۱۴/۵
مجموع ارزش‌های اقتصادی	۱۰,۲۶۳,۹۰۰/۳	۱۴,۹۲۱/۵	۱۰۰	۱۱۷۹/۸

مأخذ: امیرنژاد، ح. و عطائی سلوط، ک. ۱۳۹۰.



۲. عدم ایجاد فضای مناسب برای بهره‌برداری از توانمندی‌های بخش کشاورزی و منابع طبیعی در بخش کشاورزی ظرفیت زیادی وجود دارد، ولی فضا باز نشده است تا این بخش جوهره وجودی خود را نشان دهد. پتانسیل بالایی در زیربخش‌های مختلف کشاورزی در ایران و نیز فعالیت‌های سایر بخش‌ها وجود دارد که این موضوع از منظر سیاستگذاران مغفول مانده است. زیربخش باغبانی، گیاهان دارویی، خدمات کشاورزی، صنایع تبدیلی و تکمیلی (شامل فرآوری، بسته‌بندی)، انبارداری و گردشگری کشاورزی از جمله پتانسیل‌های شغلی در بخش کشاورزی و مرتبط با آن است که مورد بهره‌برداری قرار نگرفته است. همچنین پسماندهای کشاورزی، از جمله مواد اولیه بسیاری از صنایع فرآوری در جهان به‌شمار می‌رود که در ایران توجه چندانی به آن نمی‌شود. در حال حاضر، حجم بسیار بالایی از پسماندهای کشاورزی در ایران تولید می‌شود که بنا به دلایل مختلف، به‌ویژه عدم برنامه‌ریزی برای توسعه صنایع مربوطه، مورد بهره‌برداری اقتصادی قرار نمی‌گیرند. این درحالی است که از این پسماندها می‌توان در تولید انرژی در روستاها نیز استفاده کرد و ضمن ایجاد اشتغال، از هزینه‌های انتقال انرژی به نواحی روستایی دور دست و با جمعیت پایین کاست.

۳. حمایت ناکافی از تولیدکننده

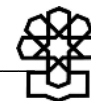
حمایت از مصرف‌کننده در اکثر قریب به اتفاق کشورهای توسعه‌یافته منفی می‌باشد. درحالی که این موضوع در ایران معکوس است. درصد حمایت کل از بخش کشاورزی (به‌عنوان درصدی از تولید ناخالص داخلی) در برخی از کشورهای OECD به ۲/۲۹ درصد می‌رسد درحالی که این مقدار برای کشاورزی ایران حدود یک سی‌صدم می‌باشد، که این عدد در مقایسه با سهم ارزش‌افزوده بخش کشاورزی (بیش از ۱۳ درصد) در تولید ناخالص داخلی کشور، حاکی از یک حمایت بسیار ضعیف می‌باشد (مهربانیان و مؤذنی، ۱۳۸۷).

۴. سرمایه‌گذاری به‌شدت پایین در بخش کشاورزی

به دلیل عدم برنامه‌ریزی و سرمایه‌گذاری مناسب برای بهبود زیرساخت‌های تولید کشاورزی، اراضی کشاورزی دائماً در حال خرد شدن و تغییر کاربری بوده‌اند. کاداستر اراضی کشاورزی و منابع طبیعی و به رسمیت شناختن حقوق مالکیت و بهره‌برداری کشاورزان و ساکنان محلی بر اراضی یکی از مهمترین الزامات یکپارچه‌سازی اراضی و اصلاحات ساختاری در بخش است، این درحالی است که عملاً اقدام و سرمایه‌گذاری شایسته‌ای در این زمینه تاکنون انجام نشده است.

درواقع نگرانی کشاورزان نسبت به تداوم مالکیت بر اراضی خود پس از انجام پروژه‌های یکپارچه‌سازی و سایر پروژه‌ها - به ویژه با توجه به سابقه تاریخی منفی - مانع از پذیرش مناسب طرح‌های ارتقای بهره‌وری و اصلاح ساختارهای سنتی توسط ایشان می‌شود.

بررسی‌ها حاکی از آن است که بخش کشاورزی در طول چندین دهه با کمبود سرمایه مواجه بوده و این امر مانع از شکوفایی استعدادهای این بخش شده است. در واقع، برخلاف مزیت‌های نسبی جهانی و پتانسیل‌های داخلی ایران، بخش کشاورزی از کمبود سرمایه به شدت رنج می‌برد. نتایج تحقیق و رزمیاری و صالح (۱۳۸۶) نشان می‌دهد که متوسط سهم سالیانه بخش کشاورزی از موجودی سرمایه، در طول برنامه‌های توسعه (سه برنامه پیش از انقلاب و سه برنامه پس از انقلاب) و نیز در دوره جنگ تحمیلی، در بین سه بخش دیگر، فراتر از ۵ درصد نرفته است که کمترین میزان آن مربوط به برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دوره سازندگی می‌باشد (۱/۸۱ درصد). البته سهم یک بخش از سرمایه، به تنهایی نمی‌تواند ارائه‌کننده تصویری شفاف از وضعیت سرمایه در بخش مذکور باشد و به جای آن، شاخص سرانه سالیانه سرمایه بخش‌ها به ازای هر ۱۰۰ نفر شاغل، تصویر دقیق‌تری را از وضعیت سرمایه بخش نشان می‌دهد. نتایج به دست آمده بیانگر آن است که کشاورزی در طول دوره‌های زمانی مورد نظر، از کمترین متوسط سرانه سالیانه سرمایه برخوردار بوده است که کمترین میزان آن با ۰/۲ میلیارد ریال به ازای هر ۱۰۰ نفر شاغل، مربوط به دوره ۱۳۴۲-۱۳۴۶ بوده است. مقدار این شاخص همان‌طور که در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بجز برنامه سوم توسعه بعد از انقلاب، همیشه بین صفر و یک بوده است. در مقابل، بخش نفت و گاز بالاترین مقدار شاخص مذکور را به خود اختصاص داده است.



جدول ۲. وضعیت بخش کشاورزی در اقتصاد ایران طی برنامه‌های توسعه قبل و پس از انقلاب اسلامی (به قیمت ثابت ۱۳۷۶)

شاخص	دوره‌های زمانی	برنامه سوم توسعه	برنامه دوم توسعه	برنامه اول توسعه	دهه اول پس از انقلاب اسلامی	برنامه پنجم توسعه	برنامه چهارم توسعه	برنامه سوم توسعه	دوره‌های زمانی	بخش
		قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	بعد از انقلاب اسلامی (۱۳۶۸-۱۳۷۲)	انقلاب اسلامی (۱۳۵۷-۱۳۶۷)	قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۵۲-۱۳۵۶)	قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۴۷-۱۳۵۱)	قبل از انقلاب اسلامی (۱۳۴۲-۱۳۴۶)		
متوسط سهم سالیانه بخش‌ها از سرمایه (درصد)	کشاورزی	۳/۰۵	۲/۵۶	۱/۸۱	۲/۴۶	۴/۰۷	۴/۲۳	۵/۲۲	کشاورزی	
	صنایع و معادن	۲۴/۱۵	۲۴/۵۷	۲۴/۹۳	۲۵/۵۲	۲۶/۲۹	۲۴/۰۶	۲۲/۳۳	صنایع و معادن	
	خدمات	۶۸/۵۲	۶۸/۵۶	۶۸/۳۳	۶۵/۶۶	۶۳/۲۳	۶۴/۵۸	۶۵/۹۰	خدمات	
	نفت و گاز	۴/۲۸	۴/۳۰	۴/۹۳	۶/۳۶	۶/۴۰	۷/۱۳	۶/۵۵	نفت و گاز	
متوسط سالیانه سرانه سرمایه بخش‌ها، به‌ازای هر ۱۰۰ نفر شاغل*	کشاورزی	۱/۰۶	۰/۷۶	۰/۴۹	۰/۶۲	۰/۶۴	۰/۳۰	۰/۲۰	کشاورزی	
	صنایع و معادن	۶/۱۲	۵/۸۰۵	۶/۱۸	۷/۰۳	۵/۰۲	۲/۹۶	۱/۷۴	صنایع و معادن	
	خدمات	۱۱/۰۳	۱۰/۸۱	۱۰/۵۵	۱۲/۵۱	۱۲/۱۶	۷/۸۶	۵/۲۳	خدمات	
	نفت و گاز	۱۰۶,۵۷۳/۸۴	۶۶,۹۰۹/۵۶	۵۶,۱۴۵/۵۹	۷۹,۹۷۲/۹۱	۵۱,۵۵۵/۸۲	۲۸,۳۲۵/۵۵	۱۳,۳۹۲/۴	نفت و گاز	
کل اقتصاد	۷/۶۲	۷/۱۱	۶/۹۶	۷/۶۹	۵/۹۲	۳/۲۵	۱/۹۶	کل اقتصاد		

مأخذ: ورمزیاری، حجت و ایرج صالح، ۱۳۸۶.

* برحسب میلیارد ریال به‌ازای هر ۱۰۰ نفر شاغل.

مؤسسه بین‌المللی سیاست‌پژوهی غذا^۱ در گزارشی در سال ۲۰۰۹ در خصوص کشورهای آفریقایی تصریح کرده است که دولت‌های آفریقایی، مخارج عمومی بسیار کمتری در بخش کشاورزی در مقایسه با کشورهای در حال توسعه داشته‌اند. جالب اینکه گزارش مذکور تصریح کرده است مخارج عمومی کشورهای آفریقایی در بخش کشاورزی مجموعاً ۵ الی ۷ درصد از کل بودجه ملی را در بین سال‌های ۱۹۸۰ تا ۲۰۰۵ شامل شده است، در حالی که این مقدار برای آسیا در همین دوره، معادل ۶ الی ۱۵ درصد بوده است (شنگن و همکاران، ۲۰۰۹^۲). همچنین بنا به گزارش بانک جهانی (۲۰۰۷)، برنامه «اقتصادی نوین برای توسعه آفریقا»، در پی افزایش مخارج کشاورزی به ۱۰ درصد بودجه‌های ملی است، تا آن را به سطحی برساند که منجر به موفقیت کشاورزی در حال گذار فعلی شود. حال اگر سهم بخش کشاورزی از بودجه عمومی این کشورها با سهم آن در ایران در همان دوره مقایسه شود، سرمایه‌گذاری اندک در بخش کشاورزی ایران بیش از پیش مشخص می‌شود. همان‌طور که جدول ذیل نشان می‌دهد، سهم بخش کشاورزی و منابع طبیعی از بودجه کل کشور در سال‌های ۱۳۵۹ (۱۹۸۰ میلادی) و ۱۳۸۴ (۲۰۰۵ میلادی) به ترتیب، ۳/۵ و ۴/۵ درصد بوده است.

جدول ۳. بودجه عمومی بخش کشاورزی و منابع طبیعی کشور در سال‌های ۱۳۵۹ و ۱۳۸۴

سهم بخش کشاورزی و منابع طبیعی (درصد)	مجموع اعتبارات امور چهارگانه			اعتبارات کشاورزی و منابع طبیعی			سال
	کل	اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای	اعتبارات هزینه‌ای	کل	اعتبارات تملک دارایی سرمایه‌ای	اعتبارات هزینه‌ای	
۳/۵۳	۲,۶۷۱,۶۶۳	۹۳۳,۹۷۰	۱,۶۰۶,۰۰۸	۹۴,۲۴۸	۴۴,۲۹۱	۴۹,۹۵۸	۱۳۵۹
۴/۴۹	۲۷۷,۶۸۷,۱۹۵	۹۵,۴۹۱,۷۰۳	۱۸۲,۱۹۵,۴۹۲	۱۲,۴۷۲,۵۶۱	۷,۰۸۲,۰۰۶	۵,۳۹۰,۵۵۵	۱۳۸۴

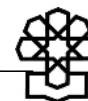
مأخذ: قوانین بودجه سال‌های ۱۳۶۰ و ۱۳۸۴.

توجه: اعتبارات سال ۱۳۵۹ مصوب و اعتبارات سال ۱۳۸۴ برآورد است. اعداد برحسب میلیون ریال است.

به دلیل سرمایه‌گذاری ناکافی و عدم اصلاح مناسب ساختارهای تولید، بهره‌وری نیروی کار بخش کشاورزی کشور از وضعیت نامطلوبی برخوردار است. آمار بانک جهانی (۲۰۰۷) حاکی از آن است که بهره‌وری نیروی کار بخش کشاورزی ایران در دوره ۱۱ ساله ۱۹۹۲-۲۰۰۳، رشد ۱۹ درصدی را تجربه کرده است، در حالی که این میزان در کشورهای برزیل، کره جنوبی، ژاپن و چین به ترتیب ۸۵، ۷۵، ۶۶ و ۴۵ درصد بوده است. جالب اینکه بهره‌وری نیروی کار در ژاپن ۱۴ برابر این میزان در ایران است (جدول ۴). اینکه گفته می‌شود رشد تولیدات کشاورزی در ایران، اغلب وابسته

1. International Food Policy Research Institute (IFPRI)

2. Shenggen



به نزولات جوی بوده و نه رشد بهره‌وری تولید در اثر ارتقای سطح دانش و فناوری کشاورزی، خود حاکی از فقدان برنامه جدی و اساسی برای سرمایه‌گذاری، اصلاح زیرساخت‌ها و نهایتاً توسعه کشاورزی در کشور است.

جدول ۴. بهره‌وری نیروی کار کشاورزی در ایران و برخی کشورهای منتخب

(ارزش افزوده کشاورزی به‌ازای هر نفر نیروی کار، ۲۰۰۰ دلار)

کشور	۱۹۹۲-۱۹۹۰	۲۰۰۳-۲۰۰۱	نرخ رشد بهره‌وری نیروی کار	نسبت بهره‌وری سایر کشورها به ایران
ایران	۱,۹۵۳	۲,۳۳۰	۱۹/۳۰	۱/۰۰
ژاپن	۲۰,۱۹۶	۳۳,۵۴۶	۶۶/۱۰	۱۴/۴۰
کره جنوبی	۵,۶۷۷	۹,۹۴۸	۷۵/۲۳	۴/۲۷
آرژانتین	۶,۷۶۴	۹,۲۷۲	۳۷/۰۸	۲/۹۸
استرالیا	۲۲,۴۰۵	۳۱,۲۱۸	۳۹/۳۳	۱۳/۴۰
اتریش	۱۲,۰۴۸	۲۰,۵۸۷	۷۰/۸۷	۸/۸۴
کانادا	۲۸,۲۲۴	۳۷,۵۹۰	۳۳/۱۸	۱۶/۱۳
آمریکا	۲۰,۷۹۷	۳۶,۲۱۶	۷۴/۱۴	۱۵/۵۴
برزیل	۱,۵۰۷	۲,۷۹۰	۸۵/۱۴	۱/۲۰
چین	۲۵۴	۳۶۸	۴۴/۸۸	۰/۱۶

مأخذ: گزارش توسعه جهانی، ۲۰۰۸.

غلط مصطلحی که در جامعه رواج یافته است، تلقی کاهش اهمیت بخش کشاورزی به موازات افزایش تولید ناخالص داخلی می‌باشد. برخی کارشناسان در این خصوص به تجربه کشورهای صنعتی استناد کرده و بدون شناخت همه جانبه حقیقت، تصور می‌کنند برای رسیدن به رشد و توسعه، باید به نفع بخش صنعت بر علیه بخش کشاورزی، تبعیض قائل شد.

بانک جهانی (۲۰۰۷) تصریح می‌کند که استفاده از کشاورزی، پیش از سرمایه‌گذاری‌های عمومی قابل توجه در توسعه کشاورزی، بهره‌کشی (استثمار) سنگین کشاورزی است که ضربه مهلکی را به این بخش وارد می‌کند. نیکلاس^۱ (۱۹۶۴) نیز معتقد است که نگرستن به بخش کشاورزی تنها از دریچه تدارک مازاد منابع به بخش صنعت، می‌تواند به‌طور جدی فرآیند کلی توسعه اقتصادی را در معرض خطر قرار دهد. در عین حالی که ارائه ناکافی مازاد از بخش کشاورزی به بخش صنعت می‌تواند صنعتی‌سازی را دچار اختلال کند (موندل،^۲ ۱۹۸۵)، ولی استفاده بسیار زیاد از مازاد بخش کشاورزی نیز ممکن است کشاورزی را دچار رکود ساخته و

1. Nichollas
2. Mundle

بنابراین رشد اقتصادی را کُند نماید. در این حالت کشاورزی با منابع بسیار اندکی برای سرمایه‌گذاری باقی می‌ماند و بنابراین ناتوان از عرضه کافی غذا و مواد خام به بخش غیرکشاورزی خواهد شد (کی، ۲۰۰۹). باید توجه داشت کشورهای غربی با سرمایه‌گذاری و برنامه‌ریزی مناسب، از مسیر توسعه کشاورزی به توسعه صنعتی دست پیدا کردند، نه از مسیر بی‌توجهی به کشاورزی و روستا!

علاوه بر این، هرچند در کشورهای صنعتی سهم بخش کشاورزی از تولید ناخالص داخلی و اشتغال کاهش یافته است، ولی این کاهش هرگز به مفهوم کاهش توجه به کشاورزی و توسعه آن نبوده است، بلکه این کشورها بیشترین حمایت‌ها و برنامه‌ریزی را درخصوص توسعه کشاورزی و توجه به روستاها دارند. برای نمونه در کشور کانادا، پروژه منسجمی تحت عنوان لنز روستایی وجود دارد که به ارزیابی و بررسی آثار اجتماعی - اقتصادی طرح‌ها و پروژه‌های مرتبط با نواحی روستایی، پیش و در حین و پس از تصویب و اجرای آنها پرداخته و تغییرات لازم را به موقع، به نفع نواحی روستایی و روستانشینان ایجاد می‌کند.^۲

نتیجه‌گیری

مطالعه حاضر نشان داد بخش کشاورزی و منابع طبیعی ایران از ویژگی‌های متمایزی نسبت به سایر بخش‌های اقتصادی برخوردار است. این خصیصه‌ها شامل «نقش کشاورزی در امنیت ملی»، «قابلیت ممتاز بخش کشاورزی در اشتغال‌زایی به صورت مستقیم و غیرمستقیم»، «پتانسیل این بخش در تحقق توسعه فقرزدا و عدالت‌محور»، «زودبازده‌تر بودن سرمایه‌گذاری و بالاتر بودن بهره‌وری سرمایه در بخش»، «قابلیت پیوند بخش کشاورزی و منابع طبیعی با بخش خدمات و صنعت»، «ارائه کارکردهای چندگانه اقتصادی، اجتماعی و محیط زیستی»، «کنترل مهاجرت»، «مزیت نسبی جهانی» و «اهمیت ایدئولوژیک کشاورزی» هستند. با توجه به فراوانی عرضه نیروی کار در ایران، راهبردهای توسعه کشور، باید به دنبال رویکردهای کاربر باشند تا رویکردهای سرمایه‌بر.

با وجود این امتیازات و الزام، شواهد حاکی از آن است که توانمندی بخش کشاورزی و منابع طبیعی به طور مناسب مورد استفاده قرار نگرفته و استعدادهای آن شکوفا نشده است. نتایج تحقیقات نشان می‌دهد که متوسط سهم سالیانه بخش کشاورزی از موجودی سرمایه، در طول برنامه‌های توسعه (سه برنامه پیش از انقلاب و سه برنامه پس از انقلاب) و نیز در دوره جنگ

1. Kay

2. <http://www.rural.gc.ca/RURAL/displayafficher.do?id=1246383722421&lang=eng>



تحمیلی، در بین سه بخش دیگر، فراتر از ۵ درصد نرفته است که کمترین میزان آن مربوط به برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، دوره سازندگی می‌باشد (۱/۸۱ درصد). در شرایطی که تخصیص بودجه عمومی کشور و موجودی سرمایه دچار سوگیری و تبعیض ضد کشاورزی بوده است، قضاوت در مورد موفقیت و اهمیت بخش‌های مختلف اقتصادی براساس حساب‌های ملی کشور، گمراه‌کننده خواهد بود. این قضاوت و ارزشیابی باید در بستر خاص خود (سرمایه‌گذاری اندک و تبعیض بر علیه بخش کشاورزی) تفسیر شود. همچنین ۷۵ درصد کل کارکردهای منابع طبیعی در حساب‌های ملی کشور ارزشگذاری نشده و به رسمیت شناخته نمی‌شوند. علاوه بر این، بخش زیادی از فعالیت‌های کشاورزی به‌ویژه در زیربخش باغی و دامی توسط زنان روستایی انجام می‌شود که اصلاً ارزشگذاری نمی‌گردد.

از سوی دیگر، در حال حاضر آمار ارزش‌افزوده بخش کشاورزی و نقش آن در شکوفایی اقتصاد ملی، در شرایطی است که زمینه‌ای برای پیوند بخش با سایر بخش‌ها (صنعت و خدمات) به خوبی فراهم نشده است و این امر منجر به کم‌شماری و ارزشگذاری کمتر از حد واقعی بخش کشاورزی و منابع طبیعی شده است. برای تبیین بهتر موضوع مثالی را در نظر می‌گیریم. هم‌اکنون جنگل‌های کشور، از جمله جنگل‌های بلوط عشایرنشین، فاقد الگوی بهره‌برداری اقتصاد پایدار بوده و لذا در خیلی از موارد این درختان توسط عشایر بریده شده و به عنوان هیزم مورد استفاده قرار می‌گیرند. در این حالت حتی ارزش سوختی این درختان نیز در حساب‌های ملی وارد نمی‌شود. حال اگر صنایع استحصال اسانس‌های دارویی از برگ‌های این درختان در مناطق مربوطه استقرار می‌یافت که هر سی‌سی آن در بازارهای جهانی دلارها ارزش دارد، چقدر نقش منابع طبیعی در اقتصاد جامعه، حالت واقعی‌تری به خود می‌گرفت؟ به نظر می‌رسد سرمایه‌گذاری تنها چند درصد از بودجه و حمایتی که ۴۶ سال صرف حمایت از صنعت نوزاد خودرو در کشور شده است، در زمینه این صنایع، انقلابی در فقرزدایی و اشتغال‌زایی پدید می‌آورد. همچنین پسماندهای کشاورزی، از جمله مواد اولیه بسیاری از صنایع فرآوری در جهان به‌شمار می‌رود که در ایران توجه چندانی به آن نمی‌شود. علاوه بر این، همان‌طور که گفته شد، امروزه از تلفیق گردشگری و کشاورزی، صنعت بسیار پردرآمدی تحت عنوان گردشگری کشاورزی پایدار می‌شود که نقش مهمی در توسعه کشاورزی و روستایی دارد. ولی با وجود شکل‌گیری بازار مناسب در این زمینه در کشور به دلیل رشد شهرنشینی و ایجاد تمایل به گریز از شهر در شهروندان، تاکنون برنامه خاصی برای بهره‌برداری از این فرصت تدوین و اجرا نشده است.

در نتیجه، تبعیض مضاعفی در حال حاضر بر علیه بخش کشاورزی وجود دارد، به گونه‌ای که

در عین عدم احتساب نقش واقعی آن، فضای مناسب به‌منظور شکوفایی نقش آن وجود ندارد. به‌طور کلی، باید اظهار داشت که مسیر توسعه صنعتی ایران از طریق راهبرد جایگزینی واردات به‌مانند مسیری است که کشورهای آمریکای لاتین اتخاذ کرده و کارگزاران توسعه کشور، در عمل تبعیض و فشار زیادی را بر علیه بخش کشاورزی، پیش از سرمایه‌گذاری کافی و مناسب در آن اعمال کرده‌اند. سیاستگذاران اغلب ناتوان از ایجاد هم‌افزایی بین بخش کشاورزی و صنعت بوده‌اند. در ایران نیز به‌مانند کشورهای آمریکای لاتین و برخلاف کشورهای کره جنوبی و تایوان، اصلاحات عمده و اساسی در نظام بهره‌برداری زمین و مدرنیزه کردن کشاورزی صورت نگرفته است.

جالب آن است که با وجود نیاز نسبی پایین بخش به سرمایه و زودبازده بودن سرمایه‌گذاری کشاورزی، حتی در عمل حاضر نیستیم همین نیاز پایین را برطرف کنیم. در بسیاری از موارد، پروژه‌های مدیریت منابع طبیعی و کشاورزی معطل اعتبارات می‌مانند. چنین روندی سبب ائتلاف مضاعف بودجه‌های عمومی کشور می‌شود، زیرا به‌دلیل عدم سرمایه‌گذاری مناسب در پروژه‌های مدیریت پایدار منابع طبیعی در اراضی بالادست، خاک زراعی توسط باد و رواناب‌ها فرسایش یافته و معضلات مختلف را در اراضی پایین‌دست ایجاد می‌کند که نشست رسوب در پشت سدها یکی از مشخص‌ترین آنهاست. تن ندادن به هزینه‌های اندک مدیریت پایدار منابع طبیعی، سبب ایجاد هزینه‌های مضاعف درمان (لایروبی سدها) می‌شود.

کم‌توجهی به بخش کشاورزی، به‌خصوص در شرایطی که آمار، حاکی از پیوندهای قوی پسین و پیشین کشاورزی با سایر بخش‌های اقتصاد و اثرگذاری این بخش بر شکوفایی و ایجاد تحرک در کل اقتصاد است، توجهی نمی‌تواند داشته باشد. مطمئناً اظهارات تقلیل‌گرایانه‌ای مانند «کشاورزی نمی‌تواند محور توسعه باشد» بر خروج بیش از پیش بودجه عمومی از بخش و سرمایه‌گذاری ناکافی در آن و در نتیجه، عدم بهره‌برداری و نابودی پتانسیل‌های بخش کشاورزی و منابع طبیعی کشور دامن می‌زند.

در حقیقت، استفاده از بخش کشاورزی برای تحقق توسعه صنعتی در جریان توسعه اقتصادی از طریق تولید غذای داخلی، انتقال نیروی کار مازاد و... ذاتاً غیرمنطقی به نظر نمی‌رسد، ولی به هر حال در ابتدا بخش کشاورزی باید به سطح مناسبی از توسعه‌یافتگی برسد، به‌گونه‌ای که از این طریق، نیاز به واردات مواد غذایی کاهش و صرفه‌جویی ارزی بهبود یابد و ازسوی دیگر با افزایش صادرات محصولات و فرآورده‌های کشاورزی و منابع طبیعی، درآمد ارزی خوبی برای کشور حاصل شود (یوسفی، ۱۳۸۸).

باید اظهار داشت نتیجه قرار نگرفتن کشاورزی و منابع طبیعی در اولویت‌های اساسی کشور



به‌گونه‌ای که در نهایت منجر به تدوین راهبردها و برنامه مناسب برای آنها شود، تغییر کاربری اراضی کشاورزی، افزایش وابستگی به واردات غذایی، تولید محصولات کشاورزی با باقیمانده مواد شیمیایی بالا و کاهش سلامت غذایی کشور، مهاجرت بی‌رویه روستاییان به نواحی شهری، تخریب محیط زیست و منابع طبیعی اعم از آلودگی منابع آب زیرزمینی، فرسایش خاک، جنگل‌زدایی و بیابان‌زایی است. تجسم این موضوع که سالیانه بخش قابل توجهی از اراضی کشاورزی کشور به دلیل سوددهی پایین درحال تبدیل به کاربری‌های رقیب مانند مسکونی و تجاری هستند و لذا روز به روز سهم بخش کشاورزی در تولید ناخالص داخلی کشور کاهش و اندازه بخش‌های صنعت و خدمات افزایش می‌یابد، هیچ انسان منصف و دلسوز را خوشحال نمی‌کند، بلکه بر نگرانی‌ها به‌شدت می‌افزاید. این نوع کاهش سهم بخش کشاورزی از اقتصاد کشور، علامت توسعه پایدار اقتصادی نیست. باید دید با این روند کوبیدن بر طبل اولویت صنعت و تغییر روزافزون کاربری اراضی کشاورزی، تا کی می‌توان به تولید داخلی و خوداتکایی در امنیت غذایی و توسعه پایدار امید داشت. تصور کشوری که دچار ناامنی غذایی بوده، منابع طبیعی آن درحال تخریب بوده و تعادل توزیع جمعیت در پهنه سرزمین بر هم خورده است، هرگونه آسایش و آرامش را از انسان جلب می‌کند و تجدیدنظر در سیاست‌های صنعتی‌سازی ضدکشاورزی و تخصیص ناکارآی منابع را ضروری می‌سازد. یکی از کارکردهای مهم بخش کشاورزی ایجاد جامعه‌ای سالم از طریق تولید محصولات کشاورزی سالم، طبیعی و ارگانیک است. چنانچه مدیریت بخش کشاورزی تحت استدلال‌هایی از قبیل اینکه محور توسعه نیست و ظرفیت چندانی ندارد، مورد غفلت قرار گیرد (یعنی وضعیت موجود کشور) و برنامه خاصی برای تشویق تولیدات مناسب و ارزشگذاری صحیح آنها انجام نشود، محصولات عرضه شده به بازار، دارای باقیمانده شیمیایی خطرناک و سرطان‌زا شده و سلامت جامعه را به‌شدت تهدید خواهد کرد. نتیجه چنین روندی، افزایش تصاعدی هزینه‌های درمانی کشور و معطل شدن نیروی کار کشور برای رسیدگی به وضعیت بیماران و درمان آنها خواهد بود. بررسی روند شاخص‌هایی مانند تعداد خانوار دارای عضو سرطانی در طول چند دهه اخیر تا حدودی نمایانگر وضعیت موجود می‌تواند باشد.^۱ البته همان‌طور که پیش از این گفته شد، به‌طور کلی برنامه‌ها و طرح‌هایی که بخش کشاورزی را نسبت به بخش صنعت در اولویت قرار می‌دهند و یا برعکس، قادر نخواهند بود که به بهره‌وری و رشد پایدار دست پیدا کنند. باید در پی راهبرد توسعه‌ای بود که هم‌افزایی بین بخش کشاورزی و بخش صنعت را ایجاد و تقویت کرده و

۱. آزمایشاتی که انجام شده و همچنین تعداد مبتلایان به سرطان طبق آمار رسمی وزارت بهداشت بیانگر این است که یک سوم عامل سرطان‌ها مربوط به باقیمانده سموم و کودهای شیمیایی در محصولات کشاورزی است.

بر شکاف روستایی - شهری غلبه کند. چنین راهبردی با بیشترین احتمال منجر به توسعه روستایی و ریشه‌کنی فقر روستایی خواهد شد.

پیشنهادها

- نظام حسابداری ملی باید تغییر کند و ارزش واقعی خدمات بخش کشاورزی در محاسبات وارد شود. ارزیابی اقتصادی، به محاسبه آثار مستقیم و غیرمستقیم، آشکار و پنهان طرح‌ها و فعالیت‌های اقتصادی می‌پردازد. محاسبات ارزیابی اقتصادی باید مبنای حسابداری اقتصادی قرار گیرد.

- بخش کشاورزی و منابع طبیعی نیازمند سرمایه‌گذاری اصولی و ایجاد فضای کسب‌وکار مناسب و پویا برای نقش‌آفرینی بخش خصوصی و تعاونی است نه سیاست‌های ترحم‌آمیز و مقطعی، بنابراین دولت باید فضای مناسب برای شکوفایی بخش را ایجاد کرده و از سیاست‌های تبعیض‌آمیز خودداری کند.

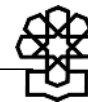
- راهبردهای جایگزینی واردات و ارتقای صادرات، جانشین هم نبوده و بلکه مکمل یکدیگرند. می‌توان در بخش کشاورزی هر دو راهبرد توسعه صادرات و جایگزینی واردات را در کنار هم مورد توجه قرار داد. به‌مانند کشورهای کره جنوبی و تایوان باید راهبرد جایگزینی واردات را در مسیر توسعه فرآوری محصولات کشاورزی و منابع طبیعی و صادرات آنها به کار گرفت. باید در محصولاتی که مزیت نسبی داریم، استراتژی توسعه صادرات و در وارد ساختن دستگاه‌ها و ماشین‌های فرآوری مربوطه، استراتژی جایگزینی واردات را اتخاذ کنیم.

- ساختارهای سنتی تولید باید با سرمایه‌گذاری اصولی و کافی اصلاح شوند، به‌ویژه اینکه نتایج نشان می‌دهد، افزایش سطح زیر کشت به‌ازای هر کشاورز (یکپارچه‌سازی اراضی)، منجر به بهبود توزیع درآمد در جوامع روستایی می‌شود.

- واردات غیرمنطقی و ضدتولید داخلی محصولات کشاورزی باید کنترل شود.

- در راستای بند «۷» سیاست‌های کلی کشاورزی ابلاغی مقام معظم رهبری، باید تبعیضی که بر علیه بخش کشاورزی از طریق قیمتگذاری ناعادلانه اعمال می‌شود، از بین رفته و رابطه مبادله بهبود یابد.

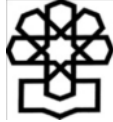
- برنامه راهبردی و عملیاتی روشن و تفصیلی درخصوص توسعه کسب‌وکارهای کشاورزی (صنایع و خدمات مرتبط با تولید کشاورزی) تدوین و اجرا شود، تا پیوند بین بخش کشاورزی و سایر بخش‌های تقویت شده و این بخش نقش واقعی خود را پیدا کند.



منابع و مآخذ

۱. اسفندیاری، علی اصغر و فرهاد ترحمی. بررسی اشتغال‌زایی بخش‌های اقتصادی ایران با تأکید بر بخش کشاورزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال هفدهم، شماره ۶۷، ۱۳۸۸.
۲. امیرنژاد، حمید و کمال عطائی سلوط. ارزشگذاری اقتصادی منابع زیست‌محیطی، ساری: نشر آوای مسیح، ۱۳۹۰.
۳. بنی‌اسدی، مصطفی و حجت ورمزیاری. (در دست انتشار)، بررسی فرضیه توزیع درآمد کوزنتس در نواحی روستایی ایران، در دوره ۱۳۵۰-۱۳۸۶. فصلنامه روستا و توسعه.
۴. زاهدی، شمس‌السادات. توسعه پایدار، انتشارات سمت، ۱۳۸۸.
۵. سلطانی، غلامرضا. تعیین نرخ بازدهی سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران، فصلنامه اقتصاد کشاورزی و توسعه، سال دوازدهم، شماره ۴۵، ۱۳۸۳.
۶. کلانتری، خلیل، حجت ورمزیاری و عباس عسکری ندوشن. (در دست انتشار)، چشم‌انداز آینده جمعیت روستایی و چالش‌های مدیریت توسعه پایدار روستایی در ایران، فصلنامه روستا و توسعه.
۷. مهربانیان، الهه و سعیده مؤذنی. بررسی یارانه‌های پرداختی و اعتبارات دولت به بخش کشاورزی در ایران و تجارب سایر کشورها، مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی و اقتصاد کشاورزی، ۱۳۸۷.
۸. نعیمی، امیر، غلامرضا پزشکی‌راد و محمد چیدری. عوامل فردی، آموزشی و ترویجی مؤثر بر نگرش گندم‌کاران استان زنجان نسبت به بیمه محصولات کشاورزی، فصلنامه پژوهش مدیریت آموزش کشاورزی، ۹: ۱۳۸۸.
۹. نیکوکار، فرشته. برآورد تابع تقاضای سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ایران (به تفکیک خصوصی و دولتی)، دانشگاه علامه طباطبایی، دانشکده اقتصاد، ۱۳۸۱.
۱۰. ورمزیاری، حجت و ایرج صالح، تحلیل پتانسیل سرمایه‌گذاری با تأکید بر برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مجموعه خلاصه مقالات ششمین کنفرانس اقتصاد کشاورزی، مشهد مقدس، ۱۳۸۶.
11. Álvarez, L., Martín, A., and Casielles, R. (2007, May). Relationship Marketing and Information and Communication Technologies: Analysis of Retail Travel Agencies. *Journal of Travel Research*, 45(4), 453-463. Retrieved April 15, 2009, doi:10.1177/0047287507299593.
12. Chang, T. 1990. Political regimes and development strategies: South Korea and Taiwan. In: G. Gereffi and D.L. Wyman, eds. *Manufacturing miracles: paths of industrialization in Latin America and East Asia*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
13. Griffin, K. *The Political Economy of Agrarian Change*. London: Macmillan.
14. Haggblade, Steven., Hazell, Peter and Reardon, Thomas. 2010. *The Rural Non-farm Economy: Prospects for Growth and Poverty Reduction*. *World Development* Vol. 38, No. 10, pp. 1979.
15. Irz, Xavier et al. 2001. *Agricultural Productivity Growth and Poverty Alleviation*. *Development Policy Review*, 2001, 19 (4).
16. Kay, Cristóbal. 2009. Development strategies and rural development: exploring synergies, eradicating poverty. *The Journal of Peasant Studies*. Volume 36, Issue 1, Special Issue: Critical perspectives in agrarian change and peasant studies.
17. Krueger, Anne O., Maurice Schiff, and Alberto Valdés, eds. 1991. *The Political Economy of Agricultural Pricing Policy*. Washington, DC: World Bank.
18. Little, I., T. Scitovsky and M. Scott. 1970. *Industry and trade in developing countries*. Oxford.

19. Mundle, S. 1985. The agrarian barrier to industrial growth. *Journal of Development Studies*, 22 (1), 49-80
20. Nash, John. 2005. Sustainable Development Strategies in Agriculture and Rural Development. WTO Symposium on Trade and Sustainable Development 10- 11 October, 2005.
21. Nicholls, W.H. 1963. An agricultural surplus as a factor in economic development. In: C.K. Eicher and L.W. Witt, eds. *Agriculture in economic development*. New York, NY: McGraw-Hill.
22. Oshima, H. 1987. *Economic growth in monsoon Asia: a comparative survey*. Tokyo: University of Tokyo Press.
23. Ranis, G. and L. Orrock. 1985. Latin America and East Asian NICs: development strategies compared. In: E. Duran, ed. *Latin America and the world recession*. Cambridge: Cambridge University Press.
24. United States Agency for International Development (USAID). 2006. *Issues in Poverty Reduction and Natural Resource Management*. Natural Resources Information Clearinghouse.
25. World Bank. (2007). *World development report 2008: Agriculture for Development*.
26. Johnston, B., Mellor, J., 1961. "The role of agriculture in economic development." *American Economic Review* 51(4).
27. Shenggen, Fan., Tewodaj, Mogues and Sam, Benin. 2009. *Setting Priorities For Public Spending For Agricultural And Rural Development In Africa*. International Food Policy Research Institute (IFPRI).



مرکز پژوهش‌ها
مجلس شورای اسلامی

شماره مسلسل: ۱۳۱۶۴

شناسنامه گزارش

عنوان گزارش: بررسی تأثیر کشاورزی بر توسعه‌یافتگی و امنیت ملی

نام دفتر: مطالعات زیربنایی (گروه توسعه کشاورزی)

تهیه و تدوین: حجت ورمزیاری

ناظر علمی: محسن صمدی

مقتضی: معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی

ویراستار تخصصی: —

ویراستار ادبی: —

واژه‌های کلیدی:

۱. کشاورزی و منابع طبیعی

۲. جایگزینی واردات

۳. ارزشگذاری غیرواقعی

تاریخ انتشار: ۱۳۹۲/۶/۲